



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

نشست کارشناسی؛ با حضور آقای دکتر میر طاهر کارشناس مسائل راهبردی

تقابل روسیه و آمریکا

در حوزه انرژی اروپا



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرشته مقدم

1.....	چکیده
2.....	طرح مسئله
3.....	مقصد گاز تولیدی آمریکا.....
4.....	ارائه اطلاعات و آمار دقیق در زمینه صادرات گاز مایع آمریکا به اروپا.....
5.....	گسترش دو خط لوله از سوی روس‌ها.....
7.....	مصرف سالانه گاز در اروپا.....
7.....	سیاست اتحادیه اروپا.....
8.....	چالش‌هایی اروپایی‌ها در زمینه تأمین گاز.....



در یک رویکرد روند محور، می توان اذعان داشت که:

1- به رغم تمایل اروپا برای متنوع سازی منابع تأمین گاز خود؛

2- به رغم خواسته آمریکا برای بیرون راندن روسیه از بازار انرژی اروپا؛

3- به رغم مخالفت‌های شدید در داخل اروپا به خصوص از جانب لهستان، اسلواکی، جمهوری‌های بالتیک و اوکراین (کشورهای

غیر عضو) برای مخالفت افزایش صادرات گازی روسیه به اروپا؛

مشاهده می‌شود که روند انتقال گاز روسیه به اروپا در جریان است.

چرا هم اکنون این روند وجود دارد؟

آمریکایی‌ها خیلی تلاش می‌کنند که روسیه را بیرون کرده و خود جایگزین آن شوند اما نگرانی‌هایی که وجود دارد عبارتند از:

نکته اول: آمریکایی‌ها تا چه اندازه می‌توانند گاز مایع طبیعی را برای اروپا تأمین کنند. طبق برآوردهای صورت گرفته تولیدکنندگان

گاز شیل در آمریکا صرفاً تا 10 سال آینده قادر خواهند بود که گاز را تأمین کنند در حالی که طبق برآوردها روسیه تا 50 سال

دیگر قادر خواهد بود که گاز اروپا را تأمین کند. البته گفتنی است که این آمار بر اساس برآوردهای کنونی است و چه بسا در آینده

ذخایر نفت و گاز جدیدی کشف شود. به ویژه آنکه مسکو در **شمالگان**¹ در حال سرمایه‌گذاری است. تخمین زده شده است که یک

سوم ذخایر نفت و گاز دنیا در شمالگان قرار دارد و باید در نظر داشت که روسیه هم مدعی این ذخایر است و با همکاری کمپانی‌های

اروپایی و آمریکایی تلاش جدی برای استخراج نفت و گاز در این منطقه دارد. لذا بحث 50 سال که هم اکنون گفته می‌شود به نظر

خیلی طولانی‌تر است.

نکته دوم: به گاز و نفت صادراتی آمریکا، "نفت و گاز نامتعارف" گفته می‌شود. ایران و عربستان به دلیل افزایش نفت سبک، نفت و گاز

متعارف دارند. یعنی به طور طبیعی از حوزه‌های نفتی، نفت استخراج می‌شود. در حالی که در خصوص نفت و گاز شیل می‌بایست یک

فرایند شیمیایی - فیزیکی طی شود تا نفت و گاز را از صخره‌ها (نفت و گاز صخره‌ای) استخراج کرد که به آن نفت و گاز نامتعارف

می‌گویند و این نفت و گاز نامرغوب است.

نکته سوم: هم اکنون مشخص شده است که نفت و گازی که در آمریکا تولید و صادر می‌شود، سمی است. سولفید هیدروژن آن بسیار بالا

و حدود 300 برابر بیشتر از حد مشخص شده است. یعنی "نامرغوب بودن"، "نامتعارف بودن" و "محدود بودن مدت زمان بهره‌برداری

از آن"، سه چالش بزرگی است که آمریکایی‌ها در این زمینه با آن مواجه هستند.

1 - شمالگان به مناطق شمالی کره زمین گفته می‌شود.

نکته چهارم: شاید چالش بزرگ‌تر این باشد که باتوجه به حجم تقاضای انرژی اروپا برای گاز، آیا اساساً آمریکا قادر است که این حجم از تقاضا را به صورت گاز مایع پاسخ دهد؟ تمام گاز صادراتی آمریکا به اروپا به صورت مایع است که از بنادر شرقی و اقیانوس اطلس به اروپا می‌رسد. هر چند مسیر نزدیک است اما حجم تقاضای اروپا بسیار بالاست. این در حالی است که با توجه به نیاز روزافزون اروپا به گاز روسیه، این کشور استراتژی جدیدی را به عنوان "متنوع سازی خطوط لوله" دنبال می‌کند تا بدین ترتیب هم آلترناتیوهای گوناگونی در قبال مسائلی چون تحریم‌های آمریکا داشته باشد و هم از وابستگی گازی خود به اوکراین بکاهد.

طرح مسئله

روسیه و آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد روابط پرنوسانی را با یکدیگر داشتند و این روابط در عرصه‌های مختلف دچار فراز و نشیب‌های مختلفی شده است. برهه‌های سرنوشت ساز در روابط آمریکا و روسیه عبارتند از:

۱- بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ که روابط دو کشور را وارد تقابل کرد.

۲- نوامبر ۲۰۱۶، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اتهام واشنگتن به مسکو در زمینه مداخله در این انتخابات که باعث وخامت بیشتر بین روابط دو کشور شد.

۳- اوت ۲۰۱۷، امضای قانون کاتسا علیه روسیه، ایران و کره شمالی که البته جنبه اصلی آن بیشتر متوجه روسیه بود و آمریکاییان در این چهارچوب روسیه را مورد شدیدترین تحریم‌ها قرار دادند.

هم اکنون حدود 2/5 (دو پنجم) تحریم‌های آمریکا متوجه روسیه است. جدیدترین تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و نقطه عطف آن، در قانون کاتسا وجود دارد که نکته مهم در آن، "تلاش برای تحریم تسلیحاتی و انرژی روسیه" است. در واقع آمریکایی‌ها هم اکنون نکته تأکیدشان این است که ابزارهای قدرت روسیه را در عرصه بین‌المللی بگیرند. روسیه بعد از آمریکا دومین صادرکننده تسلیحات در جهان است و از همه مهم‌تر اینکه روسیه هم‌اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده گاز و شاید اولین صادرکننده نفت است.^۱

از دیدگاه مقامات مسکو، تحریم‌هایی که آمریکا علیه روسیه در زمینه‌های تسلیحاتی و انرژی اعمال می‌کند، جدای از دلایل اعلانی، دلایل دیگری نیز دارد. آقای لاوروف معتقد است: «تحریم‌های واشنگتن علیه مسکو با هدف بیرون راندن روسیه از بازارهای تسلیحاتی و انرژی در جهان صورت می‌گیرد». در بحث انرژی وی تأکید می‌کند که، «آمریکا قصد دارد هر چه بیشتر جای پای خود را در اقتصاد و انرژی اروپا مستحکم‌تر کند تا بدین ترتیب پروژه‌های مشترک روسیه و اروپا را در بخش انرژی تحت‌الشعاع قرار دهد و روسیه را از بازار انرژی اروپا بیرون براند».

1 - آمارها بین عربستان و روسیه متغیر است.

بی‌تردید یکی از اهداف اصلی آمریکا در عرصه اروپا در ارتباط با روسیه، در حوزه انرژی متمرکز شده است. طبیعتاً وقتی از بحث انرژی صحبت می‌شود، بیشتر اذهان متوجه گاز می‌شود. یادآوری این نکته ضروری است که اروپا و اتحادیه اروپا از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز در جهان هستند و نکته مهم این که سال به سال بر میزان مصرف و تقاضای مصرف گاز در اروپا اضافه می‌شود. به این ترتیب اروپائیان با توجه به عواملی که مطرح خواهد شد، برای گاز مصرفی خود به خارج از اروپا وابسته می‌شوند و این واقعیتی است که آمریکا آن را به مثابه یک فرصت برای خود تلقی می‌کند. ولی مشکلی که آمریکا دارد، حریف بسیار قوی به نام روسیه است که رئیس‌جمهور آن به شدت از فرصت‌ها استفاده می‌کند و به نظر می‌رسد که:

پوتین متخصص تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها است.

"سیاست سلطه انرژی" عنوان سیاستی است که دولت ترامپ در بحث انرژی در قبال روسیه اعمال می‌کند. دولت ترامپ در این راستا در یک چارچوب کلی‌تر با توجه به اصل حمایت‌گرایی اقتصادی تلاش زیادی می‌کند تا از بخش‌های اقتصادی آمریکا، هم برای افزایش و ایجاد اشتغال در داخل آمریکا و هم برای سرمایه‌گذاری در خارج از آمریکا حمایت کند. در بحث انرژی ترامپ قوانین مربوط به شرکت‌های نفتی آمریکایی را تخفیف داده تا بدین ترتیب صادرات نفت و گاز را به کشورهای متحد و شریک آمریکا افزایش دهد. این اقدام در واقع انقلابی در زمینه استخراج نفت و گاز، به نام نفت و گاز شیل یا صخره‌ای است. در این شیوه استخراج غیر اقتصادی که قبلاً هم وجود داشت و تکنولوژی‌های مربوط به آن، توسعه هم پیدا نکرده بودند، از طریق تزریق آب و از لایه‌های صخره‌ای زمین، نفت و گاز بیرون کشیده می‌شود. این مسئله نه تنها مضرات زیست محیطی بسیار زیادی دارد، بلکه تا قبل از افزایش اخیر قیمت نفت، به دلیل هزینه‌های بسیار بالا غیراقتصادی نیز محسوب می‌شد. لذا در نفت شیل فاصله هزینه و سود چندان زیاد نیست. به همین دلیل بعد از بحران نفتی 2015 و کاهش شدید بهای نفت، گفته شد که برای خیلی از شرکت‌های تولید کننده، نفت و گاز شیل صرفه اقتصادی ندارد. با این حال آمریکا عملاً با سرمایه‌گذاری جدی و گسترده در زمینه نفت و گاز شیل در شرایط کنونی به بزرگ‌ترین تولید کننده نفت در جهان تبدیل شده است.¹ آمریکا دو سال پیش اولین محموله نفتی خود را صادر کرد. در مورد گاز هم آمریکایی‌ها تلاش مشابهی را در پیش گرفته‌اند و تلاش می‌کنند که به یکی از صادرکنندگان اصلی گاز تبدیل شوند.

مقصد گاز تولیدی آمریکا

آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند که جایگاه خود را در زمینه صادرات گاز مایع ارتقا دهند. تا سال گذشته قطر بزرگ‌ترین تولید کننده گاز مایع با درآمد سالانه 25 میلیارد دلار بود، لیکن آمریکایی‌ها در این زمینه سرمایه‌گذاری بسیاری کرده‌اند و هم اکنون چند کشور و چند حوزه متقاضی گاز آمریکا هستند.

1 - گفتنی است که در زمینه تولید روزانه نفت و گاز آمریکا، آمارها متغییر است. برای مثال در حالی که برخی به بیش از 8 میلیون بشکه در روز اشاره دارند، دیگر آمارها حتی به 12 و یا 15 میلیون بشکه در روز تأکید می‌کنند.

- 1- اولین کشور چین است که فاصله‌اش با آمریکا بسیار زیاد است^۱، لذا کشتی‌های مخصوص حمل گاز مایع را می‌طلبد.
- 2- اروپا، بازار هدف آمریکاست.

ارائه اطلاعات و آمار دقیق در زمینه صادرات گاز مایع آمریکا به اروپا

با توجه به تلاش دولت ترامپ برای افزایش صادرات گاز به اروپا، از سال 2017 تا هم اکنون صادرات گاز مایع آمریکا به اروپا 300 درصد افزایش پیدا کرده است. در سال 2017، اروپا حدود 10 درصد از کل صادرات گاز طبیعی مایع آمریکا را دریافت کرد، که در سال 2016 این نسبت 5 درصد بود. در سال 2018، 11 درصد صادرات گاز طبیعی آمریکا به اروپا فرستاده شد ولی نکته مهم اینجاست که طی یک دوره 9 ماهه، از اوت 2018 تا آوریل 2019 صادرات گاز طبیعی آمریکا به اروپا 272 درصد افزایش پیدا کرد. به این ترتیب سهم اروپا از صادرات گاز طبیعی مایع آمریکا، 30 درصد است. از دیدگاه آمریکایی‌ها از جمله ریک پری^۲، وزیر انرژی آمریکا؛ "اروپا و ایالات متحده آمریکا، شرکای طبیعی و مناسب در زمینه انرژی هستند". میگل آریاس کانیتته، کمسیر انرژی اتحادیه اروپا تأکید کرد، "چون ما به دنبال منابع پاک انرژی هستیم و با توجه به وابستگی شدید اروپا به واردات گاز، اگر گاز طبیعی آمریکا قیمت مناسبی داشته باشد می‌تواند نقش فزاینده و استراتژیکی در عرضه گاز به اتحادیه اروپا ایفا کند". این اظهارات بیانگر این است که روند سیاست انرژی آمریکا در قبال اروپا چیست؟

در حال حاضر آمریکا سومین صادرکننده گاز مایع طبیعی بعد از روسیه و قطر در جهان است. نکته مهم این است که آمریکا و روسیه اتهامات کاملاً مشابهی را در مورد سوء استفاده از گاز به مثابه یک سلاح ژئوپولیتیک به همدیگر می‌زنند. روس‌ها بر این باورند که آمریکا از انرژی به عنوان یک سلاح سیاسی استفاده می‌کند و آمریکایی‌ها هم اتفاقاً اصلی‌ترین استدلالشان در مخالفت با افزایش وابستگی اروپا به روسیه، دقیقاً همین مسئله است. بدین معنا که روس‌ها نشان داده‌اند که از گاز به مثابه یک سلاح سیاسی خیلی مؤثر استفاده می‌کنند و استناد آنها نیز به دو جنگ گازی 2006 و 2009 با اوکراین است. در فاصله 2010 تا 2014، باز هم دعوای انرژی بین روسیه و اوکراین ادامه داشت^۳. اوکراین در زمینه گاز روسیه دو نقش ایفا می‌کند. اول خریدار گاز روسیه است و دوم ترانزیت کننده می‌باشد. تا قبل از این دعوای حدود 75 درصد از گاز صادراتی روسیه به اروپا از طریق اوکراین می‌گذشت ولی بعد از این دعوای روس‌ها شروع به کاهش وابستگی کردند. گفته می‌شود که هم اکنون به 37 درصد رسیده است. روس‌ها از همان زمان به این جمع‌بندی رسیدند که طرح‌هایی را اجرایی کنند که وابستگی گازی روسیه به اوکراین را کاهش دهند. چرا که اوکراین در مواقع مختلف دو اقدام غیرقانونی در زمینه گاز انجام داده بود:

1 - گفتنی است گاز مایع و CNG را از طریق کشتی‌های مخصوص حمل می‌کنند.

2 - James Richard "Rick" Perry

3 - در این مقطع یک رژیم غربی‌گرا به نام یوشچنکو ر در اوکراین حاکم بود و در سال 2010 آقای یانوکوویچ روسگرا رئیس جمهور بود که فوریه 2014 نیز به روسیه فرار کرد.

۱- علاوه بر گاز خریداری شده از روسیه، از گاز صادراتی به اروپا به طور غیرقانونی برداشت می کردند.
(دزدی گاز روسیه)

۲- روسیه اوکراینی ها را متهم کرد که مدام به دلیل اینکه انحصار ترانزیت را دارد به روسها برای افزایش حق ترانزیت گاز فشار می آورد.

یکی از اساسی ترین علل سیاستی که روسها از سال 2006 به بعد^۱ با عنوان «سیاست متنوع سازی خطوط انتقال گاز به اروپا» در پیش گرفتند، در منازعه با اوکراین بوده است و این نشان می دهد که این انحصار در عرصه های مختلف تأثیرات منفی می تواند داشته باشد. تصور کنید کشوری را که محصور در خشکی^۲ است و یک مجرای تبادل با خارج دارد. روسها هم احساس می کردند که دقیقاً چنین مشکلی را با اوکراین دارند. لذا از سال 2006 به بعد طراحی، ساخت و اجرای خطوط لوله جدید را در پیش گرفتند.

گسترش دو خط لوله از سوی روسها



سرنوشت جریان شمالی که ساخت آن از 2006 شروع شد، خوش یمن بود. فاز اول این جریان که به نورد استریم معروف است، نوامبر 2011 مرحله اول و در اکتبر 2012 مرحله دوم آن افتتاح شد. طول این خط لوله 1222 کیلومتر است و 55 میلیارد متر مکعب گاز را سالانه از منطقه لنینگراد که سن پترزبورگ هم در آن قرار دارد را به منطقه "گرایفسوالد" در آلمان منتقل می کند. جریان شمالی یکی از طولانی ترین خطوط انتقال گاز از طریق کف دریاست. خط لوله دومی که روسها به دنبال آن رفتند خط لوله جریان جنوبی است. لوله انتقال گاز تا یکی از بنادر دریای سیاه و از زیر دریای سیاه به یکی از بنادر بلغارستان و سپس به اروپای جنوب شرقی، اروپای مرکزی و سپس اتریش، آلمان و ایتالیا می رسد. جریان جنوبی خیلی بدفرجام بود، زیرا هنگامی که بحران اوکراین شروع و تشدید شد، اتحادیه اروپا در چارچوب تحریم هایی که علیه روسیه اعمال می کرد، تصمیم گرفت که از احداث این خط لوله جلوگیری کند. لذا به بلغارستان به بهانه های زیست محیطی فشار آورد تا با ادامه این خط لوله مخالفت کند. تصور اروپایی هایی این بود که از این مسئله به مثابه یک اهرم فشار علیه

1 - در دوره پوتین
2 - Landlocked

روسیه استفاده می‌کنند و روس‌ها به این دلیل در بحث اوکراین، عقب‌نشینی می‌کنند. اما از آن جهت که پوتین همان‌طور که گفته شد متخصص تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست، با این که برای این خط لوله هزینه کرده و حتی مسیری از آن را ساخته بودند، در دسامبر 2014، شخصاً اعلام کرد که ساخت خط لوله جریان جنوبی لغو شده است. پوتین بعد از لغو کردن جریان جنوب در اکتبر 2016 قرارداد خط لوله "ترکیش استریم" را با اردوغان منعقد کرد که این خط لوله حدود 60 میلیارد متر مکعب گاز را قرار است از طریق ترکیه هم برای این کشور و هم برای کشورهای اروپایی ارسال کند.

نکته:

- روس‌ها به جای اینکه در حوزه جریان جنوب سرگردان شوند، با مدیریتی مسئله و ایجاد یک خط آلترناتیو "ترکیش استریم" در تقابل با اعمال فشار اتحادیه اروپا، خط لوله جدید را ایجاد کردند و با این کار:
- 1- وابستگی گازی ترکیه به خود را افزایش دادند. هم اکنون بیش از 53 درصد گاز ترکیه از طریق روسیه تأمین می‌شود و حتی ممکن است این درصد افزایش پیدا کند.
 - 2- عملاً به بخش جنوبی اروپا (صربستان، بلغارستان، مجارستان و ایتالیا) گاز می‌رسانند.

با توجه به موفقیت بسیار قابل توجه خط لوله گازی نورد استریم (1)، رایزنی‌های جدیدی برای احداث یک خط لوله جدیدی به موازات این خط لوله، شروع شد. مذاکرات در این زمینه به نتیجه رسید و در آوریل 2017 یک کنسرسیومی برای احداث خط لوله گازی نورد استریم (2) تشکیل شد. گاز پروم بزرگ‌ترین شرکت گازی روسیه و جهان، سهامدار 50 درصد از این کنسرسیوم است. شرکت‌های اروپایی که در این کنسرسیوم شرکت دارند عبارتند از:

- شرکت اینژی فرانسه
- شرکت OMV اتریش¹
- شرکت‌های "وینترشال"² و "پونیر"³ از آلمان
- شرکت رویال واچ شل از هلند - انگلیس

عملیات اجرایی خط لوله نورد «نورد استریم 2» از سپتامبر 2018 آغاز شده است، از آن جهت که طول این خط لوله، به موازات خط لوله نورد استریم (1) احداث می‌شود، همان است. نورد استریم (2)، از لنینگراد (سن پترزبورگ) شروع می‌شود

1 - اواموی (به آلمانی: Österreichische Mineralöl Verwaltung ÖMV) شرکت نفت و گاز اتریشی و چندملیتی است، که مقر اصلی آن در شهر وین، اتریش قرار دارد. این شرکت در زمینه اکتشاف، استخراج و بازاریابی نفت خام و گاز طبیعی، همچنین تولید برق فعالیت می‌نماید.

2 - وینترشال از زیرشاخه‌های شرکت بزرگ باسف (BASF) به شمار می‌آید.

و سپس طول دریای بالتیک و جمهوری‌های سه گانه بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی)، لهستان، سوئد، فنلاند و دانمارک را طی می‌کند و در نهایت به گرایفسوالد در آلمان می‌رسد.

«نورد استریم 1» از دو خط لوله تشکیل شده است. «نورد استریم 2» هم، دو خط لوله است که مجموعاً چهار خط لوله را شامل می‌شود. ظرفیت نورد استریم (1) سالانه 55 میلیارد متر مکعب گاز است. «نورد استریم 2» نیز 55 میلیارد متر مکعب گاز صادر خواهد کرد که در مجموع 110 میلیارد متر مکعب گاز در سال می‌شود. هم اکنون حدود 450 کیلومتر از خط لوله «نورد استریم 2»، احداث شده است. روس‌ها و کنسرسیوم ادعا می‌کنند که از تکنولوژی بسیار پیشرفته‌ای برای لوله‌گذاری استفاده می‌کنند که مضرات زیست محیطی ندارد اما با توجه به فشارهای آمریکا به نظر می‌رسد این کشورها منصرف شده اند، مخصوصاً دانمارک ظاهراً نمی‌خواهد اجازه بدهد که مسیر خط لوله از نزدیکی آب‌های سرزمینی این کشور بگذرد. به همین دلیل هر چند قرار بود که خط لوله نورد «نورد استریم 2» در 2019 عملیاتی شود، اما به نظر می‌رسد که ممکن است به دلایل چندی این اتفاق رخ ندهد، از جمله؛

۱- مخالفت های دانمارک که چه بسا باعث تغییر مسیر خط لوله شود.

۲- مخالفت جدی آمریکا و اعمال تحریم ها علیه روسیه که آینده این خط لوله را زیر سوال خواهد برد.

گازی که روسیه به اروپا می‌دهد یکی از طریق نورد استریم است و خط دیگری به نام یامال^۱ است. خط لوله یامال از روسیه وارد بلاروس، لیتوانی، لهستان شده و سپس به آلمان می‌رسد. ظرفیت این خط لوله حدود 33 میلیارد متر مکعب در سال است.

مصرف سالانه گاز در اروپا

در سال 2017 مصرف گاز در اروپا 560 میلیارد متر مکعب بوده است. از این مقدار 260 میلیارد متر مکعب در اروپا به ویژه توسط هلند و نروژ تولید می‌شود. حدود 194 میلیارد متر مکعب نیز توسط گاز پروم تحویل داده شده که البته در سال 2018 گاز پروم اعلام کرد که به حدود 200 میلیارد متر مکعب رسیده است. از 300 میلیارد متر مکعب گاز حدود 200 میلیارد متر مکعب آن را روسیه تأمین می‌کند و در سال 2018، 100 میلیارد متر مکعب باقی مانده را از الجزایر، قطر و نیجریه وارد کردند.

سیاست اتحادیه اروپا

گفتنی است که سیاست اتحادیه اروپا "متنوع سازی منابع تأمین گاز" اروپاست به همین دلیل اروپایی‌ها خیلی تأکید دارند که خط لوله "ترنس خزر"^۲، عملیاتی شود تا بتوانند گاز ترکمنستان را از طریق آذربایجان دریافت کنند. گفتنی است که

1 - خط لوله یامال-اروپا (Yamal-Europe pipeline) خط لوله انتقال گاز طبیعی به طول ۴۱۹۶ کیلومتر است، که از روسیه آغاز شده و پس از گذر از بلاروس، در لهستان پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۹۰ میلیون متر مکعب می‌باشد.

2 - به این خط لوله ترانس کاسپین هم می‌گویند.

جمهوری اسلامی ایران و روسیه از مخالفان جدی ترانس خزر هستند، چرا که این خط لوله مخاطرات زیست محیطی فراوانی دارد. لیکن اروپایی‌ها به شدت در پی عملیاتی کردن این خط لوله هستند.

چالش‌هایی اروپایی‌ها در زمینه تأمین گاز

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تولید و تأمین گاز در اروپا روند کاهشی را طی می‌کند. چرا که دو کشور نروژ و هلند که در زمینه تأمین گاز اروپا نقش کلیدی دارند، با مشکلات متعددی روبرو هستند. هلند یک میدان گازی دارد به نام "خرونینگن"^۱، که گاز آن به شدت رو به کاهش است و به دلیل اعتراضاتی که هم اشخاص حقیقی و هم حقوقی انجام داده اند، به احتمال زیاد تا سال 2030 میلادی تعطیل خواهد شد. در مورد نروژ هم پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که روند، تحویل گاز نروژ روند کاهشی را طی خواهد کرد.

الجزایر هم که یکی از تأمین‌کنندگان عمده گاز اروپاست، با مشکلاتی مواجه است؛ این که در داخل این کشور به قدری تقاضای گازی افزایش پیدا کرده است که به احتمال قوی الجزایر ناچار خواهد شد کل گاز صادراتی را به مصرف داخل اختصاص دهد.^۲ تمام تحولات مطرح شده بدین معناست که اتفاقاً روسیه نقش پررنگ‌تری در تأمین گاز اروپا در آینده ایفا خواهد کرد و این دقیقاً مخالف خواسته آمریکا در مورد استقلال گازی اروپاست. کارشناسان بر این باورند که تقاضای اروپا برای گاز افزایش پیدا خواهد کرد.

آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که در سال 2025، تقاضای کشورهای اروپایی برای گاز وارداتی به 409 میلیارد متر مکعب خواهد رسید. در حالی که در سال 2017 این مقدار 312 میلیارد متر مکعب بوده است. از این 312 میلیارد متر مکعب، 200 میلیارد متر مکعب آن را روسیه و 112 متر مکعب مابقی را دیگر کشورها تأمین کرده‌اند. روند میزان گاز وارداتی اروپا از هم اکنون تا سال 2015؛ 100 میلیارد متر مکعب افزایش پیدا خواهد کرد و دیگر عرضه کنندگان گاز به اروپا کنار زده خواهند شد و *لذا تنها بازیگر کلیدی روسیه خواهد بود*. به همین دلیل پیش‌بینی شده است که سهم عرضه گاز روسیه در بازار اروپا به 37 درصد افزایش پیدا خواهد کرد. باید توجه داشت که این یک موضوع فوق‌العاده کلیدی است.

1 - و یا گرونینگن

2 - مانند ایران